



راهنمای نیازمندیهای هیات

شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۳

کاتگوریل

معرفة نشی ریه

حلقه‌ای برای اتصال

شاید حالا دیگر خیلی تکراری شده که بنویسیم «با وجود آنکه سی و چهار سال از انقلاب اسلامی می‌گذرد و به رغم همه تجربه‌هایی که در این چندساله کسب کرده‌ایم، هنوز هم برای سازماندهی نیروهایمان و برای در کنار هم قرار گرفتن و برای تشکیل شدن و برای کار جمعی کردن و برای مستندسازی کارها و برای... دچار مشکلیم».

واقعا چرا این عبارت تکراری شده است؟ چون این حرف را سال‌هاست داریم می‌گوییم و در طول این سال‌ها فراوان بوده مجموعه‌ای، نهادی، سازمانی، ارگانی یا نشریه‌ای، که داعیه‌دار آن شده که می‌خواهد همه گروه‌ها را دور هم جمع کند و می‌خواهد آرمان‌ها را یکسان کند و می‌خواهد بچه‌های جبهه فرهنگی را به هم متصل کند و می‌خواهد شبکه شدن را تئوریزه کند و می‌خواهد تجربه‌ها را گردآوری کند و می‌خواهد...

در طول این سال‌ها بسیار مباحث نظری و تئوریک و اندیشه‌های برتر و ناب در حوزه شبکه‌شدن و تشکیل‌سازی و سازماندهی نیروها گفته شده و کلاس‌ها و دوره‌های مفصل برگزار شده است. تجربه‌هایی خوب که همگی هم با نیت حقیقی و واقعی تشکیل یک جبهه واحد طراحی شده است. در این مدت، خروجی‌های خوبی هم به لحاظ نظری و تئوری داشته و داریم. اما نکته اینجاست: با وجود همه این تجربه‌ها، چه اتفاق مهمی رخ داده است؟ آیا توانسته‌ایم آن گونه که سخنش را می‌گفتیم کار را اجرا کنیم؟

با وجود برپایی نشست‌ها و گفت‌وگوها و کلاس‌های فراوان:

- آیا فعالان فرهنگی، به مستند کردن تجربیات و بیان آنها برای جوانان روی آورده‌اند و خاطراتشان را برای کسی گفته‌اند؟
 - آیا تعریفی مشخص و دقیق از فعالیت تشکیلاتی بر مبنای دین و قرآن از آموزه‌های اسلامی استخراج شده که مورد قبول همگان یا اکثریت واقع شده باشد؟
 - آیا تشکل‌های شمال کشور، با جنوبی‌ها یا غربی‌ها با شرقی‌ها ارتباط و تعامل و همراهی و همفکری دارند؟ دور هم می‌نشینند و حرف‌هایشان را می‌گویند و برنامه‌هایشان را طرح و تجربه‌هایشان را بازگو می‌کنند؟
 - آیا فعالان فرهنگی برای حرکت کردن درست در مسیر انقلاب اسلامی، از فرمانده‌شان شناختی دارند و می‌دانند دغدغه‌ها و خواسته‌ها و نگرانی‌های این فرمانده چیست؟
 - آیا فعالان فرهنگی، الگویی مشخص برای انجام کار تاثیرگذار فرهنگی دارند و برای کارهایشان نظرسنجی و ذائقه‌سنجی کرده‌اند و خواست مخاطب برایشان مهم است یا بر مبنای تجربه‌ها و خواسته‌های فردی فعالیت می‌کنند؟
 - آیا فعالان فرهنگی، امکان ارتباط و تعامل با نخبگان فرهنگی را پیدا کرده‌اند یا بهتر بگوییم، نخبگان، مسیر ارتباط با فعالان و نیروهای آماده به کار در عرصه کار فرهنگی را هموار کرده‌اند؟
 - آیا بچه‌های فرهنگی با شیوه‌های مختلف شبکه‌سازی و استفاده از ظرفیت‌های موجود فرهنگی برای در کنار هم قرارگرفتن آشنا شده‌اند؟
 - آیا مجموعه‌های فرهنگی، راه‌هایی برای استقلال اقتصادی و رها شدن از اضطراب بزرگ «بی‌پولی» یافته‌اند؟
 - آیا فعالان فرهنگی شیوه‌ای مناسب برای محور قراردادن مسجد در فعالیتشان یافته‌اند؟
- به این فهرست، می‌توان صدها سؤال دیگر نیز اضافه کرد. هرکسی هم بسته به شناختش از فضای فرهنگی کشور و مجموعه‌های فعال در آن، پاسخی درخور و شاید متفاوت و متناقض به این سوالات بدهد. اما اگر در جاده انصاف برانیم، باید به بسیاری از این سوالات، پاسخ منفی بدهیم یا حداقل، به علامت رضایتمندی اندک، چشمانمان را به طرف مقابل خیره کنیم و سری تکان دهیم. چرا با وجود این تجربه‌ها و فعالیت‌ها و نظریه‌پردازی‌ها و دوره‌های آموزشی و...، باز هم نمی‌توانیم با قدرت و به روشنی، به سوال‌هایی از این دست جواب مثبت بدهیم؟

کاتر وصل

شماره هفتم، زمستان ۱۳۹۳، تهران ۲۰۰۱۱۲



تأثیر تشکلهای مردمی بر پیروزی انقلاب اسلامی
از گرفتن لقمه تا تولید شعار
راهبنمایی با پارچه و چوب و بلندگو
می خواستم شاه را بکشم

« سرخوین را خوب بلدیم
فروش کتاب در ویجت
برای شاعری که پیاده آمده بود
هزریانی برای شکستناخ شهبان
دوستانی برای زخمهای جنگ ترور
پیدایش در میان چندم تهران
پرونده انقلاب، انقلاب سیاسی
چراغچه آوران دیگر رحمت نیست»

با آرزو کفکبازی از
حسین امام خمینی
اسدالله باهنر
محمدصادق کوشکی
مرتضی مطهری
احمد احمد
فرشته روح‌نور
مهدی باهنر



کارش‌های از
پشت پرده
موسسات و انجمن‌ها
فعالان سبک‌بندی
نقش‌اندازهای کشور
فرهنگ
برگشت محمدتقی و کلامی
ویرانده و سوز
فرنگ محبت

درنگاه اول به‌نظر می‌رسد علت اصلی آن است که ما از همدیگر خبر نداریم و شبکه‌ای ایجاد نشده تا آنها را به یکدیگر و به نخبگان فکری این جبهه مرتبط کند. بسیاری از این فعالیت‌ها و جلسات و نظریه‌پردازی‌ها در همان محل تولدش باقی مانده و به دیگر نقاط سفر نکرده است. به رغم پیشرفت امکانات و ظرفیت‌های ارتباطی امروز، باز هم اهالی این جبهه از بی‌ارتباطی و عدم تعامل صحیح رنج می‌برند و کمتر کسی تا به حال از فراز آسمان، مجموعه این جبهه همگون اما متکثر را دیده و عکسی هوایی از آن برداشته است. شاید نیاز اساسی امروز ما، یک دوربین باشد برای عکس گرفتن؛ بدون آنکه وجود خود را به رخ بکشد و برای خودش اهمیت و جایگاهی فراتر از این قائل باشد.

«نشریه حلقه وصل» حدود یک سال است که متولد شده و مدعی نیست که آمده تا به این سوال‌ها پاسخ گوید. بسیاری از این سوال‌ها، پاسخ واضح و روشنی ندارد یا زمان می‌برد تا بتوان پاسخی درست برایش یافت. اصلاً مگر یک نشریه چاپی با تیراژ اندک و با این وضعیت توزیع - که آن هم یکی از دردهای بزرگ همین فضای فرهنگی است - چقدر می‌تواند تاثیرگذار باشد؟ تجربه‌هایی بهتر و قوی‌تر از آنچه در مقابل چشمان شماست هم تا به حال آمده‌اند و رفته‌اند یا همچنان موجود هستند.

«حلقه وصل» آمده است تا تنها یک «حلقه» باشد برای «وصل». اتصال میان مجموعه‌های فرهنگی‌ای که بانگاه‌و دغدغه انقلاب اسلامی در کشور فعالیت دارند. تلاش کرده‌ایم بتوانیم اول: مجموعه‌های موفق و برتر گذشته و امروز،

